



خامنه‌ای طی حکمی سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی، محمد امامی‌کاشانی و محمد مومن‌قمی را برای یک‌دوره دیگر به‌عنوان فقهای شورای نگهبان منصوب کرد. رضا زواره‌ای در تابستان سال ۱۳۷۵ به دلیل کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری ۷۶ استعفا داد. رئیس قوه قضائیه اسماعیل فردوسی‌پور و علی‌آراد را به مجلس معرفی کرد که با استعفای اسماعیل فردوسی‌پور از شرکت در رأی‌گیری، علی‌آراد به عنوان جایگزین زواره‌ای انتخاب شد.

▼ دوره چهارم

اختلاف مجلس ششم و قوه قضائیه بر سر معرفی حقوقدانان شورای نگهبان از همان جایی شروع شد که در شروع به کار دوره سوم این نهاد و در رأی‌گیری حقوقدانان شورای نگهبان در سال ۱۳۷۱، مجلس به‌ماده‌ای اشاره کرد که حقوقدانان باید اکثریت مطلق را به دست آورند؛ همان موضوعی که در ادوار گذشته از سوی برخی نمایندگان از جمله بادامچیان در مجلس دوم مطرح و آنها بر ضرورت آن تاکیدداشتند.

در ۱۷ تیرماه ۱۳۷۷ رئیس وقت قوه قضائیه هشت حقوقدان را به مجلس معرفی کرد که از میان محمدرضا علیزاده، محمدرضا عباسی‌فرد، رضا زواره‌ای، حسن فاخری، عزت‌الله یوسفیان‌ملا، نصیری سوادکوهی، احمد میرزایی و مهریار سه‌نفر اول به عنوان حقوقدان به عضویت شورای نگهبان درآمدند. یک هفته بعد مقام رهبری، جنتی، رضوانی و خزعلی را برای یک دوره دیگر به عضویت فقهای شورای نگهبان منصوب کرد.

در ۲۵ تیر ۱۳۸۰ طاهری خرم‌آبادی از سمت خود در شورای نگهبان استعفا داد تا محمدحسن قدیری به جای وی به عضویت فقهای شورای نگهبان درآید. در همین روز طی حکمی محمد مومن و محمد یزدی مجدداً و صادق آملی‌لاریجانی برای نخستین بار به عنوان فقهای شورای نگهبان منصوب شدند. در همین سال اختلاف میان مجلس و قوه قضائیه به ریاست سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی بر سر حقوقدانان معرفی شده به مجلس بالاگرفت؛ همان مباحثی که در ابتدای بحث به آن اشاره شد.

قوه قضائیه شش حقوقدان شامل ابراهیم عزیزی، حسین میرمحمدصادقی، عباس کریمی، محسن اسماعیلی، و غلامحسین الهام را به مجلس معرفی کرده بود، اما تنها ابراهیم عزیزی توانست آرای لازم یعنی اکثریت قاطع را کسب کند. قوه قضائیه بار دیگر فضل‌الله موسوی و ابوالفضل الموتیان را به مجلس معرفی کرد اما باز هم هیچ‌کدام انتخاب نشدند تا این معضل به عنوان اختلاف مجلس و قوه قضائیه از طرف رهبر جمهوری اسلامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شود، مجمع دوباره از رئیس قوه قضائیه خواست چهار نفر دیگر را معرفی کند که قوه قضائیه باز هم همان چهار نفر قبلی را معرفی کرد و مجلس هم دوباره به هیچ‌کدام رأی نداد. استدلال نمایندگان مجلس ششم این بود که قوه قضائیه باید حقوقدانان مختلفی را معرفی کند که در نهایت اکثریت مطلق نمایندگان به آن رأی دهند و به نوعی اجباری به اینکه حتماً باید نمایندگان از میان این افراد انتخاب شوند، در کار نیست. این اجبار از آن زمان بیشتر شد که در آستانه تحلیف رئیس‌جمهوری، شورای نگهبان و قوه قضائیه بر این تاکید داشتند که باید تا پیش از این همه اعضای شورای نگهبان مشخص شوند. حال اینکه اسامی اواخر تیر و پیش از تعطیلات جلسات تقدیم این نهاد شده بود و حالا در خواست جلسه فوری و عجله در کار برای رأی دادن بود؛ این موضوع در حالی پیگیری می‌شد که نمایندگان به هیچ‌یک از معرفی‌شدگان به جز ابراهیم عزیزی‌رای اکثریت قاطع را ندادند.

کار به مجمع تشخیص مصلحت نظام کشید و در نهایت مقام رهبری در نامه‌ای خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، پاسخ خود را درباره نظر مشورتی و پیشنهادهای آن مجمع اعلام کردند. در این متن آمده است: «مصوبه پیشنهادی مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام را با ترجیح «قید تا اعلان نظریه تفسیری شورای نگهبان در بند ۲» تأیید می‌کنم و جهت اجرا آن را به مجلس محترم شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان و قوه قضائیه ابلاغ می‌نمایم. امیدوارم در اسرع وقت پس از معرفی حقوقدانان از سوی رئیس محترم قوه قضائیه، مجلس محترم شورای اسلامی با تشکیل جلسه و انتخاب دو نفر نماینده باقیمانده از حقوقدانان شورای نگهبان، هر چه زودتر به برگزاری مراسم تحلیف همت گمارد.» در این مصوبه پیشنهاد اکثریت نسبی

به جای اکثریت مطلق مطرح شد و تصمیم بر آن شد یک بار دیگر رأی‌گیری شود و در نهایت عباسعلی کدخدایی و محسن اسماعیلی به شورای نگهبان راه یافتند.

▼ دوره پنجم و ششم

طی سال‌های پس از این اتفاقات تا دو دوره بعدی بحث و اختلاف‌نظری درباره نحوه رأی دادن به حقوقدانان معرفی‌شده از سوی قوه قضائیه در مجلس اتفاق نیفتد. چنانچه پس از اینکه در ۲۶ تیر ۱۳۸۳ رهبری طی حکمی جنتی و رضوانی را مجدد و سیدمحمدرضا مدرسی‌یزدی را برای اولین بار به عنوان فقهای شورای نگهبان منصوب کرد. در همین روز هاشمی‌شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه پنج حقوقدان را به مجلس معرفی کرد که از بین آنها محمدرضا علیزاده، غلامحسین الهام، عباس کعبی، فیروز اصلانی و جمال کریمی‌راد، سه نفر اول به عنوان حقوقدان به عضویت شورای نگهبان درآمدند.

در تیرماه ۱۳۸۶ مجدداً رهبری طی حکمی محمد یزدی، محمد مومن و صادق لاریجانی را به عنوان فقهای شورای نگهبان منصوب کرد. هاشمی‌شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه نیز در همان بازه زمانی شش حقوقدان یعنی محسن اسماعیلی، حسینعلی امیری، ابراهیم عزیزی، عباسعلی کدخدایی، علی رازینی، و محمدصادق موسوی را به مجلس معرفی کرد که دو نفر اول یعنی محسن اسماعیلی و حسینعلی امیری حائز رأی لازم شدند و برای انتخاب نفر سوم، قوه قضائیه بار دیگر چهار نفر قبلی را معرفی کرد که این بار ابراهیم عزیزی به عضویت شورای نگهبان درآمد.

پس از آن در این دوره در ۲۹ آذر ۱۳۸۸ ابراهیم عزیزی که از سوی دولت دوم احمدی‌نژاد به سمت معاون برنامه‌ریزی و راهبردی ریاست‌جمهوری منصوب شده بود از سمت خود استعفا داد. بنابراین صادق آملی‌لاریجانی که به جای سیدمحمود شاهرودی به ریاست قوه قضائیه منصوب شده بود، عباسعلی کدخدایی و احمد بیگی حبیب‌آبادی را بار دیگر به مجلس معرفی کرد که در نهایت عباسعلی کدخدایی در ۱۹ آبان ۱۳۸۸ با کسب رأی لازم از مجلس وارد شورای نگهبان شد.

پس از آن هم برای دوره ششم رهبری در موعد مشخص در ۲۴ تیر ۱۳۸۹ طی حکمی مجدداً جنتی و رضوانی و مدرسی‌یزدی را به عنوان فقهای شورای نگهبان انتخاب کردند. آملی لاریجانی نیز پنج حقوقدان شامل محمدرضا علیزاده، محمد سلیمی، سیامک روییک، محمدهادی صادقی و احمد بیگی حبیب‌آبادی را به عنوان نامزد عضویت

سه حقوقدانی که اخیراً مجلس به آن‌ها رای داد

هادی طحان‌نظیف: جوان‌ترین فردی است که توانسته به ساختار شورای نگهبان راه یابد. او که متولد سال ۱۳۶۱ در شهر درفؤل است، لیسانس و فوق‌لیسانس حقوق خود را در دانشگاه امام صادق گرفت، برای دریافت مدرک دکتری حقوق در رشته حقوق عمومی راهی دانشگاه تهران شد اما پس از پایان



تحصیل، برای حضور در هیئت علمی باز هم به دانشگاه امام صادق برگشت. در سال ۱۳۹۸ و در دوره‌ای که ریاست قوه قضائیه در اختیار سیدابراهیم رئیسی بود، به عنوان یکی از حقوقدان‌ها به مجلس دهم معرفی شد و به این‌شورا رسید و از سال ۱۴۰۰ هم به‌عنوان سخنگو مشغول به کار است.

غلامرضامولاییگی: به‌عنوان یکی دیگر از درس‌خوانده‌های حقوق، با توجه به این مدرک دانشگاهی‌اش «حقوق علوم تجربی قضایی» بود. تمام سابقه کاری که تا پیش از حضور در شورای نگهبان داشته، مربوط به قوه قضائیه می‌شد که یکی از مهم‌ترین‌های این سمت‌ها را می‌توان بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب دانست. در سال ۱۴۰۰ پس از اینکه محمد دهقان از حضور در شورای نگهبان استعفا داد و به عنوان معاون حقوقی راهی ترکیب دولت سیزدهم شد، از‌ای نام مولاییگی را به‌عنوان حقوقدان جایگزین به مجلس داد و حالا برای دومین دوره تجربه حضور در شورای نگهبان را به‌دست خواهد آورد.



سیدبهبزاد پورسید: در بین سه حقوقدانی که‌رای آوردند، تنها‌گزینه‌ای است که پیش از این عضو شورای نگهبان نبوده است. او تحصیل در رشته حقوق را از دانشگاه شهید بهشتی شروع کرد و سپس برای دریافت مدرک دکتری در رشته حقوق خصوصی، به دانشگاه تریبت مدرس رفت، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق است. بیشتر مواردی که در کارنامه کاری او دیده می‌شود مربوط به مباحث پژوهشی بوده که در این ارتباط می‌توان به معاون پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس اشاره کرد. البته از نظر جایگاه، مهم‌ترین سمتش مربوط به همین سال‌های اخیر است که در سال ۱۴۰۱ با دریافت حکمی از سوی محسنی‌آز‌ای، معاون حقوقی قوه قضائیه شد و تا پیش از انتخاب به عنوان حقوقدان شورای نگهبان، در این جایگاه حضور داشت.



در شورای نگهبان به مجلس معرفی کرد که سه نفر اول به شورای نگهبان راه یافتند.

در تیر ۱۳۹۲ رهبری طی حکمی محمدمهدی شهب‌ننده‌دار را به‌عنوان جانشین غلامرضا رضوانی که چندی پیش درگذشته بود منصوب کردند و محمد یزدی، هاشمی‌شاهرودی، و محمد مومن‌قمی را مجدداً به عنوان فقهای جدید شورای نگهبان معرفی کردند. در همین زمان صادق لاریجانی رئیس وقت قوه قضائیه چهار حقوقدان را به مجلس معرفی کرد که پس از رأی‌گیری محسن اسماعیلی، سام سوادکوهی، نجات ابراهیمیان حائز آرای لازم شدند و به شورای نگهبان راه یافتند.

▼ دوره هفتم و هشتم

دور هفتم شورای نگهبان در ۲۳ تیر ۱۳۹۵ و با معرفی ۵ حقوقدان به مجلس از سوی صادق لاریجانی ریاست وقت قوه قضائیه، عباسعلی کدخدایی، محمدرضا علیزاده، فضل‌الله موسوی موفق به کسب رأی موافق نمایندگان مجلس برای حضور در جمع حقوقدانان شورای نگهبان شدند. یک روز بعد رهبری هم طی حکمی مجدداً جنتی، هاشمی‌شاهرودی و محمد مدرسی‌یزدی را به عنوان فقهای شورای نگهبان منصوب کردند. در سه سال اول این دوره اختلافی میان مجلس و قوه قضائیه در راستای انتخاب حقوقدانان رخ نداد اما در دوره دوم آنچه در مسیر رأی به حقوقدانان در مجلس دهم شکل گرفت موجب شد که آنها به دنبال طرحی بپردازند که نحوه انتخاب این اعضای شورای نگهبان را کمی تغییر دهند. ۲۵ تیر ۱۳۹۸ همراه بود با انتخاب حقوقدانان جدید شورا از سوی نمایندگان مجلس، پیشتر سید ابراهیم رئیسی ریاست جدید قوه قضائیه علی غلامی، هادی طحان‌نظیف، محمد دهقان، محمدحسن صادقی‌مقدم و عبدالحمید مرتضوی را به مجلس معرفی کرده بود. بنابر روال که تعداد افراد معرفی‌شده دو برابر تعداد لازم باشد، اما قوه قضائیه این بار فقط پنج نفر را معرفی کرد و از همین تعداد هم «علی غلامی» درست دقایقی قبل از رأی‌گیری مجلس، انصراف داد؛ همین انصراف انتقاداتی را برانگیخت و نمایندگان را به فکر تدوین طرحی برای اصلاح نحوه انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان انداخت. البته در نهایت در همان جلسه با رأی و نظر نمایندگان هادی طحان‌نظیف، محمدحسن صادقی‌مقدم و محمد دهقان به عضویت در جمع حقوقدانان شورای نگهبان درآمدند اما بعدها مهرداد لاهوتی، سخنگوی کمیسیون آیین‌نامه‌داخلی مجلس در توضیح این طرح گفت: «این کمیسیون با این اصلاحیه می‌خواست که بعد از آنکه حقوقدانان شورای نگهبان به مجلس معرفی شدند دیگر امکان انصراف آنها وجود نداشته باشد. بنابراین با این اصلاحیه رئیس قوه‌قضائیه باید برای هر کرسی حقوقدان شورای نگهبان دو نفر معرفی کنند.» در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۹، دو مصوبه در این زمینه در مجلس به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید. البته دغدغه این نمایندگان و این طراحان نه از نوع مجلس ششمی‌ها و نمایندگان پیش از آنها که اهمیت تعیین این حقوقدانان را اثرگذار بر تحقق دموکراسی بلکه در راستای رفع بی‌نظمی عنوان کرده‌اند.

▼ دوره هشتم

دوره هشتم شورای نگهبان از ۲۴ تیرماه ۱۴۰۱ آغاز به کار کرد و فقهای آن تاکنون از دوره قبل ابقا شدند. در مرداد ۱۴۰۱ خیرالله پروین به عنوان چهره جدید به اعضای حقوقدان شورای نگهبان اضافه شد و ۲۱ تیر اسمال نیز، «سیدبهبزاد پورسید»، «ذبیح‌الله خدائیان»، «هادی طحان‌نظیف»، «محمدرضا صامی»، «غلامرضا مولاییگی» و «محمدرضا صابر» ۶ حقوقدانی بودند که از سوی غلامحسین محسنی‌آزه ای، رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی شدند. سیدبهبزاد پورسید، هادی طحان‌نظیف و غلامرضا مولاییگی هم توانستند بدون مشکل و حتی بحثی در این زمینه در فضای مجلس به شورای نگهبان وارد شوند.

موضوعی که مدت مدیدی است از سوی بسیاری از تحلیل‌گران درباره جایگاه این نهاد مورد بحث قرار می‌گیرد؛ تحدید قدرت شورای نگهبان و البته افزایش سلیقه‌ها و تنوع نظرات در این نهاد است. پس از مجلس ششم که دیگر به نظر نمی‌آید تلاشی در این راستا انجام گرفته باشد و معمولاً انتخاب این افراد به نوعی مصداق تأیید بدون تحقیق و بررسی دقیق مجلس از سوی نمایندگان مجلس شده است. شاید اگر در نحوه جذب حقوقدانان که فقط نصفی از جمعیت این نهاد تشکیل می‌دهد دقت نظر در راستای تسامح و تساهل با مردم باشد؛ وضعیت انتخابات‌های بعدی به شکل دیگری رقم بخورد.

شخصیت‌ها

وحدت ملی پایه برنامه‌ریزی‌ها باشد

آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی، مرجع تقلید شیعه در دیدار با اعضای حزب مؤتلفه اسلامی با تاکید بر وحدت ملی گفت: «وحدت ملی، نعمت بزرگی است که باید قدر آن را دانست و برای حفظ آن کوشید. این وحدت باید پایه همه برنامه‌ریزی‌ها و اقدام‌ها باشد.» ایشان با اشاره به تلاش خلفای بنی‌امیه برای ترویج تفکر جبر و نسبت دادن همه وقایع و جنایات تاریخی خود به اراده الهی، اظهار کرد: «بنی‌امیه سال‌ها زحمت کشیدند تا با ترویج تفکر جبری، جنایات خودشان را به خدا نسبت دهند، و لذا این‌زیاد بعد از حادثه‌اشورا، خطاب به حضرت زینب(س) گفت که «کیف رأیت صنع الله بأخیک» کاری که خدا با برادرت کرد را چگونه دیدی؟! که این کار را کار الهی دانست نه کار شیطان. حضرت زینب با این تفکر جبری مقابله کرد و در برابر ابن‌زیاد فرمود: «ما رأیت إلا جمیلاً»، آنها را که شما کشتید ولی آنچه خدا به ما گفت که در مقابل ظلم قیام کن، قیام کردیم و من چیزی جز زیبایی نمی‌بینم، این جمله یک بیان سیاسی، معرفتی و توحیدی بود، نه صرفاً یک عبارت عاطفی.»

نوبت مسئولین است

علی اکبر ولایتی، مشاور مقام رهبری در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «حفظ انسجام ملی مورد تاکید مقام معظم رهبری می‌تواند شامل تغییر برخی رویکردهای اجتماعی حاکمیت و محور قراردادن رضایت مردم شود، به گونه‌ای که برای آنها ملموس باشد.» او در ادامه نوشت: «مردم خود را اثبات کردند و اکنون نوبت مسئولین است. شیوه‌های منقضی‌شده دیگر پاسخگوی جامعه پس از جنگ نخواهد بود.»

ادامه سر مقاله

رویکردی که اولویت اول آن تأمین منافع ملی یک واحد سیاسی به نام ایران و شهروندانش باشد. پس از این مرحله است که می‌توان به موضوعات و کشورها و مردمان دیگر پرداخت. این هدف نیز ذیل منشور سازمان ملل متحد و قوانین بین‌المللی قابل تحقق است. چه این قوانین را خوب بدانیم یا ظالمانه. نه وظیفه و نه رسالت ما و نه در توان ماست که این نظم را تغییر دهیم.

دوم، انجام اصلاحات ضروری در داخل است. چرا می‌گوییم اصلاحات یک ضرورت است؟ برای اینکه نارضایتی عمومی پدیده‌ای نیست که قابل انکار باشد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که جز اندکی از تندر وها، اغلب جامعه و سیاستمداران داخل ساختار نیز متوجه ضرورت این واقعیت شده‌اند. یکی از آخرین نمونه‌ها اظهارنظر آقای ولایتی مشاور مقام رهبری است که خیلی صریح در توثیقی نوشت که: «حفظ انسجام ملی مورد تاکید مقام معظم رهبری می‌تواند شامل تغییر برخی رویکردهای اجتماعی حاکمیت و محور قراردادن رضایت مردم شود، به گونه‌ای که برای آن‌ها ملموس باشد. مردم خود را اثبات کردند و اکنون نوبت مسئولین است. شیوه‌های منقضی شده دیگر پاسخگوی جامعه پس از جنگ نخواهد بود.» آقای ضرغامی، رئیس سابق صداوسیما، هم مصداقی‌تر این رویکرد را توضیح داد و گفت: «امروز ۱۰ برابر بی حجاب در خیابان‌هاست. آیا نظام تضعیف شده است؟ والله نظام امروز مقتدرتر است.»

این مواضع هنگامی که از سوی آقای ولایتی و ضرغامی زده شود، هم‌نشأن دهنده نوعی اجماع در ضرورت تغییر است و هم‌نشأنگر امید که این رویکرد منحصر به منتقدین نیست و شنیده خواهد شد.

متأسفانه، عده‌ای ناخبردانه چنین چیزی را باج‌گیری از نظام می‌دانند. درحالی که بدترین نوع دفاع از نظام این است که مطالبه بحق مردم را باج‌خواهی معرفی کنند. این تعبیر را فقط کسانی می‌توانند به کار ببرند که تعریف آنان از نظام «در برابر و علیه مردم» و نه «برآمده و در کنار مردم» باشد. کسانی که این حد از مطالبه را نپذیرند، مصداق این شعر مولوی خواهند شد که: «هرکه گریزد ز خراجات شهر/ بازکش غول بیابان شود». به تعبیر دیگر، زندگی مدنی و شهری و همراه با امنیت و آرامش، مستلزم پرداخت هزینه‌های آن است و هر که از این قاعده سربچی کند، ناچار باید در بیابان و جنگل بازکشی غول را بنماید. آنان که از پرداخت حقوق مردم استنکاف می‌کنند و جلوی مردم می‌ایستند و کسی را به نماز جمعه می‌آورند که به هر دلیلی مردم نسبت به او حساس هستند یا در یک جامعه جوان و روبه‌رشد ساختور دگان از کار افتاده را به ریاست مهم‌ترین نهاد‌های رسمی کشور انتخاب می‌کنند، چه پیامی را به مردم مخابره می‌کنند؟ امیدواریم این توثیق آقای ولایتی و سخنان آقای ضرغامی آغازی باشد بر پایان گریز از پرداخت «خراجات شهر» و درغیر این صورت، «بارکشی غول بیابان» در انتظار است.